

زنی که در سکوت دربار ژاپن اثری جاودانه خلق کرد

اولین رمان مدرن تاریخ ادبیات را چه کسی نوشت؟



گزارش احمدمحمدتیریزی

وقتی از تاریخ رمان سخن می گوئیم، ذهن بسیاری از مخاطبان به اروپا، سروانتس، فلوربا و حتی دانیل دفو می‌رود. اما قرن‌ها پیش از آنکه ادبیات اروپا به مفهوم مدرن رمان دستت پیدا کند، زنی دربار ژاپن اثری خلق کرد که هنوز بسیاری از پژوهشگران آن را نخستین رمان بزرگ تاریخ ادبیات جهان می‌دانند. اثری که نه تنها روایتگر عشق، قدرت و سیاست بود، بلکه برای نخستین بار به درون ذهن شخصیت‌ها نفوذ کرد و احساسات، تردیدها، حسادت‌ها و آرزوهای آنان را به شکلی بی‌سابقه به تصویر کشید. نام این زن موراساکی شیکیبو و نام اثرش «قصه گنجی» یا «حکایت گنجی» است.

بیش از هزار سال از نگارش این اثر می‌گذرد، اما هنوز درباره آن بحث می‌شود. برخی آن را نخستین رمان جهان می‌نامند، برخی محتاط‌ترند و از آن به عنوان نخستین رمان روان‌شناختی تاریخ یاد می‌کنند. آنچه تقریباً همه منتقدان بر سر آن توافق دارند، تأثیر شگرف این اثر بر ادبیات جهان و جایگاه بی‌بدل آن در تاریخ روایت‌پردازی است.

روایتی فراتر از زمان

از زندگی موراساکی شیکیبو اطلاعات زیادی در دست نیست، حتی نام واقعی او نیز به طور قطعی مشخص نشده است. او حدود سال ۹۷۸ میلادی در کیوتو و در خانواده‌ای وابسته به خاندان قدرتمند فوجی‌وارا به دنیا آمد. پدرش از معدود اشرافی‌ها بود که اجازه داد دخترش زبان و ادبیات چینی بیاموزد، دانشی که در آن زمان عمدتاً در انحصار مردان قرار داشت. بعدها موراساکی به عنوان ندیمه و بانوی دربار امپراتریس شوشی وارد دربار شد و در همان محیط اشرافی بود که شاهکار خود را نوشت.

او در دوره‌ای آن زندگی می‌کرد، عصری که بسیاری

از آن دوران طلایی فرهنگ کلاسیک ژاپن می‌دانند. دربار امپراتوری در آن زمان کانون شعر، موسیقی، خوشنویسی و آیین‌های پیچیده اجتماعی بود. موراساکی با مشاهده دقیق همین جهان اشرافی، مصالح لازم برای خلق اثری را فراهم کرد که بعدها به یکی از مهم‌ترین متون ادبی تاریخ بدل شد. موراساکی نگارش «قصه گنجی» را احتمالاً در نخستین سال‌های قرن یازدهم آغاز کرد و حدود سال ۱۰۱۰ میلادی آن را به پایان رساند. این اثر در ۵۴ فصل تنظیم شده و زندگی شاهزاده‌ای به نام هیکارو گنجی، مشهور به «شاهزاده درخشان»، را روایت می‌کند. گنجی فرزند امپراتور است، اما به دلایل سیاسی از جانشینی محروم می‌شود و پدری او در میان عشق‌های متعدد، رقابت‌های درباری، تبعید، بازگشت و کشمکش‌های سیاسی ادامه می‌یابد.

اما آنچه «قصه گنجی» را از بسیاری آثار پیش از خود متمایز می‌کند، صرفاً داستان آن نیست. این کتاب برخلاف حماسه‌ها و اسطوره‌های رایج زمان خود، بر زندگی روزمره، احساسات انسانی و روابط پیچیده میان افراد تمرکز دارد. موراساکی به جای آنکه فهرستی از شکست‌ناپذیر خلق کند، شخصیتی می‌آفریند که هم جذاب است و هم خط‌پذیر، هم عاشق می‌شود و هم اشتباه می‌کند، هم قدرت دارد و هم از فقدان و مرگ رنج می‌برد.

بهر دلیل بسیاری از مورخان ادبیات معتقدند

«قصه گنجی» واجد عناصری است که امروز رمان

مدرن را تعریف می‌کنند: شخصیت‌پردازی عمیق،

تحول روانی شخصیت‌ها، روایت بلند، شبکه پیچیده

روابط انسانی و توجه به جهان درونی انسان‌ها.

نخستین رمان مدرن

عنوان نخستین رمان جهان همواره محل بحث بوده است. پیش از موراساکی نیز روایت‌های بلند داستانی در یونان، روم و شرق وجود داشت. منتقدان یادآور

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۸۵۲۳

بخش مهمی از جذابیت «قصه گنجی» در شخصیت‌های زن آن نهفته است. زنان داستان صرفاً معشوقه یا شخصیت‌های فرعی نیستند، آنان دارای زندگی درونی، خواسته‌ها، ترس‌ها و نگاه مستقل هستند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند موراساکی از خلال روایت خود، محدودیت‌ها و رنج‌های زنان در ساختار مردسالار دربار را نیز به نمایش گذاشته است.

تأثیر بر ادبیات جهان

کمتر اثری در تاریخ ادبیات توانسته است هزار سال بر فرهنگ یک ملت سسایه بیفکند. «قصه گنجی» نه فقط بر ادبیات ژاپن، بلکه بر هنرهای تجسمی، خوشنویسی، نمایش، شعر و حتی طراحی لباس در این کشور اثر گذاشته است. صدها نسخه مصور، طومار، نمایش و اقتباس هنری بر اساس این اثر خلق شده‌اند و هنوز نیز در ژاپن بازخوانی و ترجمه می‌شود. با این حال نفوذ جهانی این اثر نسبتاً دیر آغاز شد. تا اواخر قرن نوزدهم، «قصه گنجی» تقریباً در خارج از ژاپن ناشناخته بود. ترجمه‌های انگلیسی و سپس ترجمه به زبان‌های دیگر باعث شد منتقدان غربی دریابند که تاریخ رمان تنها از اروپا آغاز نمی‌شود. این کشف نگاه بسیاری از پژوهشگران به تاریخ ادبیات جهان را تغییر داد.

در طول قرن بیستم و بیست‌ویکم، بسیاری از نویسندگان و منتقدان برجسته از عظمت این اثر سخن گفته‌اند. برخی آن را هم‌سنگ شاهکارهای تولستوی و پروست دانسته‌اند و برخی معتقدند اگر «قصه گنجی» در اروپا نوشته شده بود، جایگاه آن در تاریخ ادبیات جهان حتی پررنگ‌تر می‌شد. ویرجینیا وولف از جمله نویسندگانی بود که به این اثر توجه ویژه‌ نشان داد و آن را نمونه‌ای کم‌نظیر از روایت‌پردازی زنانه دانست. منتقدان معاصر نیز بارها به توانایی موراساکی در نمایش ذهن مردان و زنان اشاره کرده‌اند، توانایی که حتی امروز نیز تحسین‌برانگیز به نظر می‌رسد.

چند جمله از موراساکی

در میان جملات مشهور منتسب به موراساکی در «قصه گنجی»، برخی بیش از دیگران نقل شده‌اند؛ «چیزهای واقعی‌تر در تاریکی، واقعی‌تر از رُویاها نیستند»، «به تعداد زنان، گونه‌های مختلف زن وجود دارد» و «هیچ هنر و دانشی را نباید نیمه‌دل آموخت.» این جملات نشان می‌دهد که نویسنده هزار سال پیش نیز دغدغه‌های کاملاً انسانی و جهان‌شمول داشته است؛ دغدغه‌هایی که هنوز برای خوانندگان امروز آشنا هستند.

جمع‌بندی

شاید مهم‌ترین دستاورد موراساکی شیکیبو این باشد که نشان داد ادبیات می‌تواند فراتر از روایت رویدادها عمل کند و به کاوش در روح انسان بپردازد. او در عصری که شعر مهم‌تر از نثر شمرده می‌شد و زنان کمتر فرصت حضور در عرصه‌های فکری داشتند، اثری خلق کرد که به یکی از ستون‌های اصلی تاریخ ادبیات جهان تبدیل شد.

هزار سال پس از نگارش «قصه گنجی»، هنوز وقتی از منشأ رمان مدرن سخن به میان می‌آید، نام موراساکی شیکیبو در صدر فهرست قرار می‌گیرد. زنی که در سکوت دربار ژاپن، راهی را گشود که بعدها به تولد رمان به عنوان مهم‌ترین قالب ادبی جهان انجامید.

خلق کاراکترهای جذاب با کتاب «شخصیت»

فرمول شخصیت‌پردازی از روی دست رابرت مک‌کی

رابرت مک‌کی در کتاب «شخصیت» راهنمای عملی طراحی نقش‌ها و شخصیت‌ها برای رمان، نمایشنامه و فیلمنامه را در اختیار علاقه‌مندان می‌گذارد. کتاب «شخصیت» تازه‌ترین اثر ترجمه‌شده رابرت مک‌کی در ایران است. او نویسنده و مدرس شناخته‌شده‌ای است که پیش‌تر با کتاب «داستان» شهرت پیدا کرد. نویسنده در این کتاب، از انواع شخصیت‌ها، تضادهای درونی، کشمکش و نقش همدات‌پنداری در روایت حرف می‌زند و با مثال‌هایی از آثار سینمایی و ادبی، شیوه خلق شخصیت‌های ماندگار را توضیح می‌دهد.

در زندگینامه مک‌کی، نویسنده کتاب «شخصیت» نقل شده است که جو استرهاس، فیلمنامه‌نویس به او انتقاد می‌کرد که چرا بدون داشتن فیلمنامه به خودش اجازه می‌دهد فیلمنامه‌نویسی را آموزش دهد؟ مک‌کی هم در جواب گفته بود: «دنیا پر از افرادی است که چیزهایی را آموزش می‌دهند که خودشان نمی‌توانند انجام دهند.»

مک‌کی که به خاطر برگراری سمینارهای داستانی‌اش در جهان شهرت پیدا کرده است، با نوشتن این کتاب با دید ۳۶۰ درجه به ایجاد مهم طراحی شخصیت در رمان، نمایشنامه و فیلمنامه پرداخته است. بنابراین اگر داستان‌نویس، بازیگر و کارگردان هستید یا می‌خواهید قصه‌تان را در قالب نمایش و سینما تعریف کنید، این کتاب می‌تواند برای خلق شخصیت‌های جذاب و باورپذیر به شما کمک کند.

هنر خلق شخصیت

داستان، فیلمنامه و نمایشنامه بدون شخصیت‌پردازی نقص بزرگی دارد، چون روایت بدون شخصیت، جذابیتی ندارد، در همین دلیل مهم‌ترین دغدغه نویسنده باید خلق شخصیتی باورپذیر و قابل درک باشد تا مخاطب بتواند با او همراه شود، احساساتش را بفهمد و با سرنوشتش از تباط برقرار کند. کتاب «شخصیت» همان‌طور که در عنوان فرعی‌اش آمده است، به هنر طراحی نقش‌ها و مجموعه شخصیت‌ها در ادبیات، تئاتر و سینما می‌پردازد. مک‌کی در این اثر تلاش می‌کند شیوه شکل دادن به شخصیت‌ها، ویژگی‌های رفتاری آنها و نقششان در پیشبرد داستان را مرحله‌به‌مرحله و با جزئیات دقیق توضیح دهد. طبقه‌بندی‌ها و جزئیاتی مثل انواع شخصیت عمل‌گرا، آرمان‌گرا، راستگو، فریبکار، شرافتمند، دره، فرمان‌بر و سرکش کمک می‌کند شخصیت‌هایی خلق شوند که چندبعدی هستند و با ایجاد کشمکش‌های مختلف داستان را به‌اوج می‌رسانند.

خلاصیت در شخصیت‌پردازی

برای آنکه نویسنده کلیشه‌ها را بشکند، به ابزار مهم خلاصیت نیاز دارد. کتاب به این سؤال می‌پردازد که آیا شخصیت‌ها در ذهن نویسنده زاییده می‌شوند یا نویسنده آنها را می‌آفریند؟ مک‌کی برای پاسخ به این سؤال سراغ سوزان کالینز، نویسنده کتاب «بازی‌های گرسنگی» می‌رود و از قول او می‌نویسد: «یک شب در رختخواب دراز کشیده بودم، خیلی خسته و در حال چرخیدن بین شبکه‌های اجتماعی بودم. در آن به تصاویری از برنامه‌های واقعی رسیدم که جوانان برای یک میلیون دلار با مدرک تحصیلی یا هر چیز دیگری با هم رقابت می‌کردند. بعد از آن فیلمی از حمله امریکا به عراق دیدم. این دو چیز به شکلی ناراحت‌کننده با هم ترکیب شدند و آن لحظه‌ای بود که ایده داستان سه‌گانه بازی‌های گرسنگی به ذهنم خطور کرد.» مک‌کی، خلاصیت را مدیون زندگی پر فراز و نشیبی می‌داند که خود نویسنده تجربه کرده است. به نظر مک‌کی، یادگیری، تجربه و تخیل، اطلاعات مختلف هستند که در ناخودآگاه نویسنده به هم گره می‌خورند و بعدها می‌شود از میان‌شان قصه و شخصیتی را خلق کرد، به همین دلیل او «فحطلی خلاصیت» را محصول تجربه‌ها و دانش محدود می‌داند.

رسیدن به شخصیت از دل مثال‌های مختلف

یکی از محورهای مهم کتاب، توجه به پیچیدگی شخصیت‌هاست. مک‌کی با اشاره به نمونه‌هایی از ادبیات کلاسیک و آثار موفق سینمایی و تلویزیونی، نشان می‌دهد شخصیت‌هایی که لایه‌های مختلف و تضادهای درونی دارند، معمولاً تأثیر بیشتری بر مخاطب می‌گذارند. او همچنین روند شکل‌گیری این شخصیت‌ها را در نوشتن، بازیگری و کارگردانی بررسی می‌کند و پیشینه‌های عملی برای طراحی نقش‌ها و انتخاب ترکیب شخصیت‌ها در آثار نمایشی ارائه می‌دهد. کتاب از ابتدا مثال‌های زیادی دارد و تا پایان همین‌طور پیش می‌رود. مثلاً در فصل چهارم که نویسنده ۱۰ زیرنگ سرنوشته را شرح می‌دهد، از فیلم‌هایی مثل بیز سفید، بالا در آسمان، کنار من بمان و عشق پس از عشق نام می‌برد. مک‌کی در توضیح عبارت «تعادل خوبی» می‌نویسد: «سه‌گانه «بدرخوانده» اثر ماریو پوزورا در نظر بگیرند. این مجموعه جهان‌جناپکاری از تبهکاران، پلیس‌های شرور و شیوه سیاستمداران فاسد را ترسیم می‌کند. خانواده کورلونه یک ویژگی مثبت دارند؛ وفاداری. آنها با هم متحد می‌شوند و از یکدیگر دفاع می‌کنند. سباسب خانواده‌های مافیایی به‌طور مداوم در چرخه‌هایی از خیانت، به پشت یکدیگر خنجر می‌زنند. این باعث می‌شود که آنها آدم‌های بدی باشند در حالی که وفاداری خانواده پدرخوانده، آنها را به آدم‌های خوب در میان آدم‌های بد تبدیل می‌کند. وقتی تماشاگر آن جنبه مثبت را احساس می‌کند، همدات‌پنداری جریسان می‌یابد، بنابراین با تبهکاران همدات‌پنداری می‌کند.» انتشارات افراز کتاب شخصیت‌را با ترجمه مسعود برومندی در ۱۷ فصل و ۳۷۰ صفحه در سال ۱۴۰۰ منتشر کرده است.

نگاهی به رمان «آدم‌خوران» ژان تولی

روزی که یک روستا انسانیت را بلعید

احمد جوان

در تاریخ ادبیات، برخی رمان‌ها از دل تخیل نویسنده زاده می‌شوند و برخی دیگر از دل واقعیت‌هایی چنان هولناک که باور کردنش دشوار است. رمان آدم‌خوران، نوشته ژان تولی از دسته دوم است. اثری تکان‌دهنده که براساس یک رویداد واقعی در تاریخ فرانسه نوشته شده و نشان می‌دهد چگونه ترس، جهل و شیاعه می‌توانند انسان‌های عادی را به هیولاهایی بی‌رحم تبدیل کنند.

این رمان که نخستین بار در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، روایتگر حادثه‌ای واقعی است که در سال ۱۸۷۰ در روستایی کوچک در جنوب غربی فرانسه رخ داد. در بحبوحه جنگ فرانسه و پروس و در شرایطی که جامعه فرانسه گرفتار بحران اقتصادی و سیاسی بود، مردی جوان و محترم به نام «آن دومونه» در یک روز بازار به اتهامی واهی هدف سوه‌ظن اهالی قرار می‌گیرد. زم‌زمانی کوچک و بی‌اساس به سرعت در میان جمعیت می‌پیچد و ناگهان او به دشمنی خیالی می‌تواند به واسطه اندرویدها بگوید عاشق شده است. فیلم‌های علمی – تخیلی زیادی درباره همین موضوع وجود دارند، اما نمی‌داند عاشق شدن چه حس وحالی دارد.

بهبهانی ادامه داد: هنر انسانی یعنی هنری که کسانی آگاهانه، از سر مقاصد و باحالت‌های ذهنی خلق کرده‌اند و هنر ماشینی که ماشین‌ها، ربات‌ها و اندرویدها خلق می‌کنند. بنابراین هوش مصنوعی می‌تواند اثر هنری ماشینی خلق کند، نه انسانی.

مترجم کتاب «هنر و هوش مصنوعی» بیان کرد: هوش مصنوعی می‌تواند ابزار را در خدمت هنرمند باشد. هنرمند می‌تواند ایده‌هایی به هوش مصنوعی بدهد. همان‌طور که روزی ما برای نقاشی از ابزارهای ابتدایی استفاده می‌کردیم و هنوز قلم این وسعت امروزی را ندانشت، تکنولوژی کم‌کم به نقاشی کمک کرد. طیف وسیعی از قلم‌مو، بوم، رنگ، ابرنگ، گواش و انواع ابزارها در اختیار هنرمند قرار گرفت. اگر کسی جزئیات را خودش اجرا کند، هنرمندتر از کسی است که از ماشین کمک می‌گیرد، اما اثری را که با ابزار هوش مصنوعی خلق شده است، نباید بیرون از حلقه هنر دانست.

وی با اشاره به استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف هنری گفت: تدوینگر فیلم می‌تواند از ابزارهای مدرن استفاده کند. موزیسین می‌تواند میکس، صداگذاری و ترکیب صدا را تکنولوژی‌های جدید

انجام دهد. آنچه در هنر مهم است، ایده‌پردازی است. در تاریخ هنر هم چیزی شبیه به این را داشته‌ایم. مثلاً در «کانسیچوال ارت»: هنر

مفهومی». این ایده مطرح شد که مفهوم، فکر و ایده‌پردازی می‌تواند

کار هنری باشد.

یابد بین هنر انسانی و ماشینی تفکیک قائل شد. وقتی از هنر

انسانی حرف می‌زنیم، درباره مقاصد، نیت‌های انسانی و ناخودآگاه و خودآگاه انسان حرف می‌زنیم. تمام این‌ها یعنی حالت‌های ذهنی که حس‌وحالی نسبت به آن داریم.

کاوه بهبهانی، مدرس فلسفه و مترجم کتاب «هنر و هوش مصنوعی» درباره تفاوت خلق هنر میان انسان و هوش مصنوعی به اینها گفت: هوش مصنوعی حالت ذهنی انسانی ندارد، یعنی می‌تواند ادای فکر کردن را دربیاورد، اما در واقع دارد از الگوریتم‌ها پیروی می‌کند. می‌تواند به واسطه اندرویدها بگوید عاشق شده است. فیلم‌های علمی – تخیلی زیادی درباره همین موضوع وجود دارند، اما نمی‌داند عاشق شدن چه حس‌وحالی دارد.

بهبهانی ادامه داد: هنر انسانی یعنی هنری که کسانی آگاهانه، از سر مقاصد و باحالت‌های ذهنی خلق کرده‌اند و هنر ماشینی که ماشین‌ها، ربات‌ها و اندرویدها خلق می‌کنند. بنابراین هوش مصنوعی می‌تواند اثر هنری ماشینی خلق کند، نه انسانی.

مترجم کتاب «هنر و هوش مصنوعی» بیان کرد: هوش مصنوعی می‌تواند ابزار را در خدمت هنرمند باشد. هنرمند می‌تواند ایده‌هایی به هوش مصنوعی بدهد. همان‌طور که روزی ما برای نقاشی از ابزارهای ابتدایی استفاده می‌کردیم و هنوز قلم این وسعت امروزی را ندانشت، تکنولوژی کم‌کم به نقاشی کمک کرد. طیف وسیعی از قلم‌مو، بوم، رنگ، ابرنگ، گواش و انواع ابزارها در اختیار هنرمند قرار گرفت. اگر کسی جزئیات را خودش اجرا کند، هنرمندتر از کسی است که از ماشین کمک می‌گیرد، اما اثری را که با ابزار هوش مصنوعی خلق شده است، نباید بیرون از حلقه هنر دانست.

وی با اشاره به استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف هنری گفت: تدوینگر فیلم می‌تواند از ابزارهای مدرن استفاده کند. موزیسین می‌تواند میکس، صداگذاری و ترکیب صدا را تکنولوژی‌های جدید انجام دهد. آنچه در هنر مهم است، ایده‌پردازی است. در تاریخ هنر هم چیزی شبیه به این را داشته‌ایم. مثلاً در «کانسیچوال ارت»: هنر مفهومی». این ایده مطرح شد که مفهوم، فکر و ایده‌پردازی می‌تواند کار هنری باشد.



مؤلف بودن در عصر هوش مصنوعی

بهبهانی افزود: اگر ایده‌پرداز خیلی خوبی باشید، می‌توانید به‌خوبی از هوش مصنوعی استفاده کنید. ممکن است نقاش خوبی نباشید و نتوانید با قلم‌مو نقاشی بکشید، اما ایده‌های ناب به هوش مصنوعی لئوناردو بدهید تا نقاشی‌های جالبی خلق کند. آیا شما در این اثر نقش دارید؟ بله. آیا به همان اندازه کسی که هم ایده می‌دهد و هم خودش اجرا می‌کند، اعتبار می‌گیرید؟ نه. تسو داری کار راحت‌تری انجام می‌دهی، اما به هر حال در تألیف آن اثر نقش داری.

این مدرس فلسفه خاطر نشان کرد: وقتی می‌گوییم کوبریک با یک فیلمنامه‌نویس دیگر فیلمی را خلق کرده است، یعنی دو مؤلف آگاه و انسانی وجود دارند. اما اگر من با ابزار لئوناردو یک نقاشی کشیده باشم، مؤلف واقعی من هستم و لئوناردو ابزار من است. هرچند ابزار بسیار پیچیده‌ای است. هوش مصنوعی حالت ذهنی ندارد و نمی‌تواند

به معنای بشری تألیف کند، چون «قصد» ندارد.

بهبهانی در ادامه تصریح کرد: ممکن است در آینده حتی هوش مصنوعی خودش را آموزش بدهد و برنامه بنویسد. آن وقت هم باز مسئله پیچیده‌تر می‌شود. اینجا عامل انسانی وجود ندارد. اما اینکه آیا این موضوع به هنرمندان اجحاف می‌کند یا نه، پاسخ این است که تکنولوژی همین کار را می‌کند. وقتی ماشین اختراع شد، کسانی که بار

^[1] او در دوره‌ای آن زندگی می‌کرد، عصری که بسیاری

^[2] او در دوره‌ای آن زندگی می‌کرد، عصری که بسیاری